توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۲ /سه‌شنبه ۵ تیر ۱۳۹۷ / ۱۲ شوال ۱۴۳۹ / ۲۶ ژوئن ۲۰۱۸

راحله سوداگر مرگ بود

کابوس اعدام برای زن زندانی

PDF Compressor Free Version



گروه حوادث: زن زندانی هر شب کابوس طناب‌دار را می‌بیند هم‌سلولی‌هایش به هذیان گویی‌ها و فریادهای شبانه او عادت کرده‌اند و همه نگرانش هستند. راحله ۴۹ ساله است و از ۴ سال پیش وقتی در نقش مسافر قصد داشت یک محموله هروئین را به تهران انتقال دهد با تیزهوشی ماموران پلیس ایست و بازرسی دستگیر شد. تحقیقات از این زن نشان داد شوهر راحله یک سوداگر مرگ حرفه‌ای بود که در تعقیب و گریز پلیسی وقتی قصد داشت با ویراژهای خطرناک در جاده از چنگال پلیس فرار کند کنترل ماشین را از دست داده و در برخورد با گاردریل کشته شده است. راحله از همان ابتدا ابراز پشیمانی کرد اما میزان هروئین همراهش و اینکه ۳ سال پیش هم به اتهام قاچاق مواد دستگیر شده بود در دادگاه انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شد. این زن تکیده حالا برای روز اعدام خود ثانیه شماری می کند و حال و روز خوشی ندارد.

سرنوشت یک زن

راحله در گوشه‌ای از حیاط نشسته و پک‌های عمیقی به سیگارش می‌زند کافیست به چشم‌های بی‌روحش خیره شوی انگار جسدی می‌بینی که فقط نفس می‌کشد:

■ **چرا اینجا؟**

جبر روزگار همین!

■ **این توجیه مناسبی نیست؟**

داستانم را بشنوی شاید حق بدهی!

■ **اشتباه، اشتباه است! بدترین اتفاق های زندگی نباید باعث کجروی شود؟**

حق با شماست من اشتباه کردم کاش عاشق نمی‌شدم.

■ **عاشقی چه ربطی به جرم سنگین تو دارد؟**

۱۷ سال بیشتر نداشتم که به دوست پدرم علاقه‌مند شدم او ۱۲ سال از من بزرگتر بود اما خیلی مهربان و دوست داشتنی بود!

■ **۱۲ سال فاصله سنی؟!**

کاش فقط همین بود وقتی به همدیگر ابراز علاقه کردیم و به خواستگاری‌ام آمد پدرم که دوست صمیمی‌اش بود مخالفت کرد شنیدم محمود معتاد است و حتی قاچاق می‌فروشد. انگار کرشده بودم می‌دانستم پدرم هم معتاد بود اما زندگی خوبی داشتیم بخاطر همین پاهایم را در یک کفش کردم تا با محمود ازدواج کنم پدرم سرسختانه مخالفت کرد اما من تصمیمم را گرفته بودم و با محمود فرار کردم و همین باعث شد پدر و مادرم از ترس آبرو رضایت بدهند.

■ **پس زندگی جهنمی شروع شد؟**

اصلا! محمود مهربانترین مردی بود که در طول عمرم دیدم او برای من و بچه‌هایمان نمونه بود اما شغلش قاچاق مواد مخدر بود او با وجود اعتیاد هیچ وقت در خانه مواد نکشید برای من و بچه هایش چیزی کم نمی گذاشت از اینکه با محمود ازدواج کرده بودم خیلی راضی بودم.

■ **خودت معتاد نشدی؟**

تا وقتی محمود زنده بود لب به سیگار هم نزده بودم.

■ **بعد از مرگ شوهرت چه کردی؟**

او در زمان فرار از دست پلیس تصادف کرد و در گذشت روحش شاد!! بعد مدتی با پس اندازهایم زندگی‌ام را گذراندم ۴ بچه قد و نیم قد داشتم و مخارجم بالا بود هیچ شغلی نداشتم و خیلی زود دارو ندارم تمام شد و ماندم چه کنم پدرم کمکم کرد او به شوهرم احترام می گذاشت اما بعد از مرگش بارها سرکوفت زد.

■ **چه شد خودت قاچاقچی شدی؟**

نمی توانستم مرتب از پدرم گدایی کنم یکبار که وضع مالی ام بد بود به دوست صمیمی شوهرم به نام مجید زنگ زدم و قرض خواستم او با لطف زیاد به من پول داد و با شنیدن مشکلاتم پیشنهاد داد در زمینه فروش مواد با او همکاری کنم!

■ **به همین راحتی پذیرفتید؟**

خیر ۳ ماه بعد وقتی دیدم اگر مواد نفروشم باید به کارهای بدتری دست بزنم به مجید زنگ زدم و از آن روز به بعد یک مواد فروش شدم.

■ **روش شما چه بود؟**

مواد را می گرفتم و همراه بچه کوچکم با اتوبوس مسافربری به شهرهای مختلف بویژه تهران سفر می کردم و مواد را تحویل مواد فروش اصلی می دادم.

■ **چقدر گیرت می آمد؟**

خیلی خوب درآمد داشتم اما اگر بچه هایم نبودند شاید خودکشی می کردم و مواد نمی فروختم می دانستم کار زشتی است اما خیلی درمانده بودم و چاره‌ای نبود

■ **خیلی‌ها خانه دیگران کار می کنند تا دزدی و خلاف نکنند؟**

بله، اما شهر من کوچک است و همه همدیگر را می شناسند نمی توانستم.

■ **چند بار سفر این چنینی رفتی؟**

نمی دانم خیلی زیاد و نمی دانم چقدر مواد داشتم فقط آخرین بار وقتی دستگیر شدم میزان هروئین را از پلیس وقاضی شنیدم.

■ **پدرت یا خانواده شوهرت نمی دانستند؟**

می گویند نمی دانستند البته می گفتم خیاطی کار می کنم و برای مزون به شهرهای دیگر می روم و آنها وانمود می کردند می دانستند!

■ **والان حکم اعدام؟**

بله به اعدام محکوم شدم حتما حق من این بود اگر محمود می ماند شاید به این روز نمی افتادم.

■ **اما او هم راه کج می رفت شاید او هم به اعدام محکوم می شد؟**

بعضی وقت‌ها حسرت مرگ او را می خورم بهتر شد تصادف کرد. ای کاش من هم در یک حادثه می مُردم.

■ **الان بچه ها چه می کنند؟**

خیلی نگرانشان هستم البته پسرم ۱۸ ساله است و من در مدتی که مواد قاچاق می کردم یک خانه خریدم و پولی پس انداز کردم به پسرم گفتم گواهینامه بگیرد یک ماشین بخرد و با مسافرکشی یا باربری مخارج زندگی را درآورد.

■ **پس آرامش داری؟**

نه، هر شب کابوس اعدام را می بینم کلی آرزو برای بچه هایم داشتم فقط از پدرم قول گرفتم نگذارد بچه هایم به راهی که من آمده‌ام بیایند اصلا آمادگی مرگ ندارم اما به قول یکی از همسلولی هایم خود کرده را تدبیر نیست!

گزارش

دو زن و مرد از خانواده ثروتمند تهرانی پول میلیاردی گرفتند

قرار بود جادوگر ایرانی شیطان را دفن کند

گروه حوادث: زن جوان برای فریب یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی مرد ثروتمند فامیل با همدستی یک زن و شوهر صیغه‌ای داستان عجیب شیطان و جن‌ها را طراحی کرد.

مرد جادوگر

اواخر سال گذشته بود که مرد ثروتمند با مشکلات کاری و خانوادگی روبرو شده بود و به دنبال حل این مسائل بود که یکی از بستگان نزدیک وی پیشنهاد عجیبی را برای برطرف کردن این اتفاقات مطرح کرد. زن آشنا با دادن شماره تلفنی از مرد ثروتمند خواست تا از طریق تلگرام با مرد جادوگر که ابویاسر نام دارد تماس بگیرد تا برای حل مشکلات به وجود آمده از وی درخواست کمک کند.

شیطان بحرینی

ابویاسر پس از آشنایی با مرد ثروتمند ادعا کرد که جن‌ها و شیطان بحرینی به بدن فرزندان این مرد ورود کرده اند و قصد دارند با آسیب رساندن آنها را به قتل برسانند. مرد ثروتمند ابتدا با اطلاعاتی که ابویاسر از خانواده‌وی داده بود به حرف‌های این جادوگر اعتماد کرد و وقتی دید جان فرزندانش در خطر است از ابویاسر خواست هر طور شده جان فرزندانش را نجات دهد.

اساتید خارجی

ابویاسر پس از چند روز تماس عنوان کرد که برای نجات جان فرزندان مرد ثروتمند باید اساتید جادوگری از کشورهای مختلف به نام‌های ابواسحاق و عثمان و استاد بزرگی از کشور اطراف خلیج فارس برای کشتن شیاطین مختلف و دفن کردن آنها در بیابان های کشور عراق دور هم جمع شوند.

پول میلیاردی

مرد ثروتمند که ابویاسر اطمینان داشت و اسیر حرفهای او شده بود در چند مرحله برای دعوت اساتید جادوگری یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان پول پرداخت کرد و مرد جادوگر پس از دریافت پول ها ادعا کرد که چند روز ناپدید می شود تا در جمع اساتید بزرگ جادوگری کار کشتن شیاطین را در بیابان های کشور عراق به اجرا برسانند. پس از چند روز ابویاسر با مرد ثروتمند تماس گرفت و از کشتن شیاطینی که قصد آسیب رساندن به خانواده‌وی را داشتند خبر داد اما در ادامه سناریوی دیگری را پیش روی این مرد قرار داد.

اعدام خیالی

ابویاسر ادعا کرد در مراسمی که با جادوگرهای بزرگ دور هم جمع شده بودند متوجه شدند که شیاطین قصد دارند با جاساز کردن مواد مخدر در خانه و خودروی مرد ثروتمند برای او و دامادش در دسر ایجاد کنند تا آنها به زندان و اعدام محکوم شوند. مرد ثروتمند با شنیدن این داستان جدید شوکه شده بود و این در حالی بود که ابویاسر برای حل این مشکل پیشنهاد ۱۵ میلیارد تومانی را پیش روی این مرد قرار داد.

شکایت در دادسرا

مرد ثروتمند احساس خطر می کرد و برای مشورت به سراغ وکیل خودش رفت و وکیل جوان وقتی از ماجرای شیاطین و جادوگری باخبر شد با اصرار از مرد ثروتمند خواست تا تا ابویاسر و داستان‌های ساختگی‌اش برای کلاهبرداری میلیاردی شکایت کند. بدین ترتیب روز دوم خرداد ماه امسال تیمی از ماموران پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای الهیه تهران برای دستگیری مرد فریبکار وارد عمل شدند.

پلیس وارد عمل شد

کارآگاهان در گام نخست تحقیقات به سراغ گردش مالی مرد ثروتمند رفتند و پی بردند که چک‌های ماجرای کشتن شیاطین بزرگ را زن جوانی به نام سارینا نقد کرده است و این در حالی بود که مخفیگاه ابویاسر در منطقه نیاوران ردزنی شد. تیم پلیسی با اقدامات فنی و اطلاعاتی از حضور ابویاسر در مخفیگاهش اطمینان پیدا کردند و در عملیاتی غافلگیرانه این جادوگر را در مخفیگاهش دستگیر کردند.

اعتراف

جادوگر فریبکار که علیرضا نام دارد پس از دستگیری راهی جز اعتراف پیش روی خود ندید و به ماموران گفت: مرجان که از بستگان نزدیک مرد ثروتمند است با اصرارهایش مرا وسوسه کرد تا با طراحی این نقشه دست به کلاهبرداری میلیونی بزنیم و به همین خاطر من در نقش ابویاسر را که جادوگر و رمال بود بازی کردم. ماموران در این مرحله با کاوش های پلیسی توانستند مخفیگاه مرجان را نیز در یکی از خیابان های فرعی نیاوران شناسایی کنند و در عملیاتی غافلگیرانه این زن جوان نیز دستگیر شد. مرد ثروتمند زمانیکه برای پیگیری پرونده اش پای در اداره پلیس گذاشت با دیدن مرجان شوکه شد و اعلام کرد که این زن از بستگانش است و چند سال قبل نیز یکی از کارمندان شرکتش بود. کارآگاهان در این مرحله پی بردند که مرجان اطلاعات کامل را در اختیار جادوگر فریبکار قرار داده و این متهم نیز با داشتن این اطلاعات موفق به اعتمادسازی نزد مرد ثروتمند شده و در این مدت نیز مرجان همه اتفاقات خانه مرد ثروتمند را به علیرضا خبر داده است. تیم پلیسی در عملیات دیگر به خانه علیرضا رفته و سارینا را که زن صیغه ای این مرد فریبکار بود





را دستگیر کردند. علیرضا در اعترافاتش گفت: از طریق اطلاعاتی که از طریق مرجان در اختیار همسرم قرار گرفته بود، اعتماد شاکی را جلب کردم و ادعا می کردم همه این اطلاعات را با شگرد جادوگری و رمالی به دست آورده ام و سپس عنوان کرد که برای از بین بردن شیاطین باید از جادوگرهای بزرگ کمک بگیرم که در این مرحله موفق به دریافت یک میلیارد و پانصد هزار تومان شدم. وی ادامه داد: در سناریوی بعدی قصد داشتیم چند مرد را به عنوان ماموران پلیس و نظامی به سراغ مرد ثروتمند بفرستیم تا ماجرای اخاذی بعدی که جاسازکردن مواد مخدر از سوی شیاطین بود را به اجرا برسانیم و قرار بود برای از بین بردن این شیاطین نیز ۱۵ میلیارد به جیب بزنیم که دستگیر شدیم. بنا به این گزارش، این ۲ زن و مرد فریبکار برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس پرونده با صدور قرار قانونی روانه زندان شده‌اند.

حکم اعدام در ملاعام برای قاتل پسر ۱۱ ساله



گروه حوادث: پسر جوان که در کودکی به او تجاوز شده بود در اقدامی عجیب پسر همسایه را به پشت بام خانه کشاند و به طرز فجیعی کشت. علی ۲۴ ساله ۱۷ شهریور ماه سال ۹۶ به بهانه نشان دادن کبوتر ابوالفضل ۱۱ ساله را به پشت بام خانه پدری اش در نزدیکی خیابان رباط کریم گمرک تهران کشاند. قاتل بعد از ناپدید شدن ابوالفضل به عنوان مظنون بازداشت شد. زخم های تازه روی دست این مظنون شک پلیس را دوچندان کرد و وی چهار روز بعد از دستگیری لب به اعتراف گشود. در حالی که سلامت روانی این قاتل از سوی کمیسیون پزشکی قانونی تایید شد وی دیروز در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده پدر و مادر ابوالفضل در جایگاه ویژه ایستادند و برای قاتل پسرشان حکم قصاص در ملاعام درخواست کردند. سپس علی روبه روی قضات ایستاد و اتهام قتل عمدی را گردن گرفت. وی در تشریح جزییات ماجرا گفت: من سال ها پیش در پارک مورد تجاوز قرار گرفتم. این ماجرا تاثیر بدی در روحیه‌ام گذاشت و وقتی به سن نوجوانی رسیدم اوضاع روحی‌ام بدتر شد. وی که لکنت زبان دارد ادامه داد: آن روز حال روحی ام به هم ریخته بود. مادر و برادرم در خانه نبودند که به بهانه نشان دادن کبوتر، پسر همسایه را به پشت بام بردم ولی یکباره دچار جنون شدم و با چاقو به جانش افتادم. وی گفت: بعد از قتل بود که برادرم به خانه برگشت. او از من خواست تا خودم را به پلیس معرفی کنم اما قبول نکردم. جنازه را به جاده قم بردیم. سپس برادر علی که با قرار وثیقه آزاد بود به اتهام اختفای ادله جرم و کمک در از بین بردن جسد از خود دفاع کرد. این جوان گفت: من در شرایط بدی گرفتار شده بودم و نمی دانستم چکار می کنم. فقط می خواستم هر طور شده از شرایط بدی که در آن گرفتار بودم رها شوم. من هنوز نمی دانم چرا برادرم دست به چنین جنایتی زده است. مادر ابوالفضل در پاسخ به سوال قاضی درباره اینکه به پسرت درباره محافظت از خودش و اینکه با افراد غریبه رفت و آمد نداشته باشد آموزش و هشدار داده بودی گفت: من و پدرش هر کدام بارها به ابوالفضل گفته بودیم نباید به بهانه دیدن پرنده یا سایر حیوانات به خانه افراد غریبه برود و یا حتی با آنها صحبت کند. در پایان جلسه وکیل مدافع علی به دفاع پرداخت و گفت: پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کرده است موکلم جنون ندارد ولی مرتبه ای از اختلال شخصیت را دروی تایید کرده است. از آنجا که تجاوز در کودکی شرایط روحی و روانی بدی را برای موکلم ایجاد کرده و موجب تشدید اختلال در شخصیت وی شده است تقاضا دارم تا علی به کمیسیون ۷ نفره پزشکی قانونی معرفی شود تا این کمیسیون درباره وضعیت روانی وی اظهار نظر کنند. بنابر این گزارش؛ با رد این درخواست از سوی قضات دادگاه، هیات قضایی وارد شور شد و علی را به اعدام در ملاعام محکوم کرد. قرار است برای برادر وی نیز به زودی حکم صادر شود.

اخبار

قتل دختر عمو به خاطر آبروداری طایفه

پسر جوان بخاطر آبروی طایفه شان در آبادان دست به قتل دختر عمویش زد و سپس خود را تسلیم پلیس کرد. ساعت ۲ ظهر ۲۶ خرداد ماه امسال ماموران کلانتری ۱۸ ذوالفقاری در جریان تیراندازی مرگبار به زن جوانی در منطقه ۳۰ متری ذوالفقاری قرار گرفتند که تیمی از ماموران برای تحقیقات ویژه در محل حاضر شدند. ماموران با حضور در محل مشاهده کردند زن ۲۰ ساله ای از ناحیه سر و صورت هدف گلوله تفنگ شکاری قرار گرفته است. بدین ترتیب تیمی از ماموران دایره جنایی پلیس آگاهی آبادان همراه قاضی کشیک قتل در صحنه جرم حاضر شدند و در تحقیقات ابتدایی مشخص شد که پسر عموی قربانی این جنایت با در دست داشتن تفنگ شکاری وارد خانه دختر عمویش شده و با شلیک ۵ گلوله در برابر چشمان شوهر این زن جوان دست به قتل زده است. هنوز دقایقی از وقوع جنایت نگذشته بود که پسر جوانی با در دست داشتن تفنگ شکاری پای در کلانتری ۱۸ ذوالفقاری گذاشت و خود را قاتل دختر عمویش معرفی کرد. پسر جوان با اعتراف به قتل دختر عمویش گفت: دختر عمویم با رفتارهایش باعث بی آبرویی طایفه مان شده بود به همین خاطر تصمیم قتل او گرفتم و پس از تیراندازی مرگبار خودم را تسلیم پلیس کردم. بنا به این گزارش، عامل این جنایت برای تحقیقات بیشتر در اختیار مقام قضایی قرار گرفته است.

نقشه شوم زن جوان برای مرد مغازه‌دار

زن ۴۱ ساله که با خوراندن آبمیوه آلوده به مواد بیهوشی مرتکب سرقت از مغازه دار مشهدی شده بود به دام افتاد. سرهنگ اکبر آقا بیگی، رییس پلیس مشهد با اعلام این خبر گفت: گزارش سرقت با ترفند خوراندن مواد بیهوش کننده به صاحب مغازه ای در مرکز شهر مشهد به فوریت های پلیسی ۱۱۰ -ماموران کلانتری شهید نواب صفوی را بلافاصله به محل مورد نظر کشاند. سرهنگ اکبر آقا بیگی افزود: صاحب مغازه در اظهارات اولیه خود گفت: خانمی ۴۰ ساله ساعت ۲۱ به محل کار او مراجعه و با خوراندن آبمیوه مسموم او را بیهوش کرده و وسایلی به ارزش ۴۰ میلیون تومان به سرقت برده است. فرمانده انتظامی مشهد گفت: این زن که به شیشه معتاد است در تماس با مالباخته درخواست مبلغی در قبال تحویل اموال مسروقه داشت که تیم دایره تجسس کلانتری شهید نواب صفوی مشهد او را دستگیر کردند. متهم در تحقیقات اولیه اظهار کرده که قصد داشته مبلغ ۵۷۰ هزار تومان زلب خود را از صاحب مغازه با این ترفند نقد کند که دست به سرقت زده است. تحقیقات از این زن که ادعا می کند مقداری از وسایل مسروقه در اختیار همسرش است با دستورات مقام قضایی ادامه دارد.

مرگ تلخ ۴ مرد در چاه گنج

جسد بی جان ۴ مرد در روستای چکاب شهر مشهد از درون چاهی به بیرون کشیده شد. مجتبی خالدی سخنگوی سازمان اورژانس کشور در ارتباط با جزئیات فوت ۴ نفر در درون چاه گفت: شامگاه یکشنبه ۳ تیر ماه امسال ۴ مرد به طمع گنج به درون یک چاه در روستای چکاب شهر مشهد می روند. وی ادامه داد: بعد از گذشت ساعت ها عملیات جستجوی برای پیدا کردن این ۴ مرد صبح دیروز جسد آنها داخل یک چاه پیدا شد. سخنگوی اورژانس کشور افزود: پس از تماس با سامانه ۱۱۵ اورژانس بلافاصله ۴ دستگاه آمبولانس جهت اقدامات لازم به محل حادثه اعزام شدند. خالدی توضیح داد: بعد از بررسی های اولیه مشخص شد متاسفانه جستجوگران گنج بر اثر گاز گرفتگی در چاه عمیق جان باختند.

رعدوبرق ۹ نفر را خشک کرد

رعد و برق در ایالت بیهار هند جان ۹ تن را گرفته است. طبق اعلام یکی از مقامات اداره مدیریت بلایا در هند تمام مرگ و میرها در شب یکشنبه و در نواحی کاتیهار، مونگر، نالاندا، گایا و بانکا به وقوع پیوسته است. فرماندار ایالت بیهار ضمن ابراز تاسف خود نسبت به این واقعه اعلام کرده به خانواده‌های قربانیان مبلغ ۴۰۰ هزار روپیه معادل ۶۰۰۰ دلار اهدا خواهد شد. این ایالت هند تا کنون شاهد رگبارهای پیش از موعد بارندگی موسمی بوده و بر اساس پیش بینی اداره هواشناسی هند، این منطقه با باران‌های شدیدتری تا ۲۴ ساعت آینده مواجه خواهد شد. به گزارش خبرگزاری شینهوا، رعد و برق در ماه‌های بارش‌های موسمی در هند متداول است.